

Body Integrity Identity Disorder (BIID)

اختلال هويت تماميت بدن









این زن که **جیویل شاپینگ** نام دارد، از کودکی آرزوی نابینا شدن داشته و حالا با دستهای خودش به این آرزوی عجیب رسیده است. او با استفاده از مواد سفید کننده چشمهایش را کور کرد و به گفته ی خودش بعد از نابینا شدن، بسیار احساس خوشحالی می کند.

یک اختلال روان شناختی است که مبتلایان به آن احساس می‌کنند که یک یا چند عضو سالم بدنشان در واقع متعلق به بدن آنها نیست و اگر آن عضو یا اعضاء را جدا کنند زندگی راحت تری خواهند داشت.

علت این اختلال ناشناخته مانده است. یک تئوری علت آن را ناتوانی عصبی مغز در ترسیم و درک فرم کامل بدن و گنجاندن عضو یا اعضاء مذکور در زمره اعضاء بدن بیان می‌کند.

علائم این اختلال اغلب قویاً احساس می‌شوند. مبتلایان به این اختلال با بخشی از بدن خود، مانند یک عضو مشخص، احساس راحتی نمی‌کنند و یقین دارند که قطع یا معلول سازی آن عضو ناراحتی آنها را رفع خواهد کرد. مبتلایان به این اختلال ممکن است نسبت به معلولین شدیداً احساس حسادت کنند.

آنها ممکن است در میان جمع یا در تنهایی وانمود کنند که معلول هستند.

آنها ممکن است تلاش کنند تا به عضو مذکور صدمه بزنند طوری که به قطع ان بی انجامد.

آنها عموماً از افکار خود احساس خجالت کرده و سعی می کنند افکار خود را از دیگران مخفی نگه دارند.

اکثر مبتلایان به این اختلال مردان میان سال سفید پوست هستند.

تفاوت میان مبتلایان ممکن است به اندازه ای که قبلاً تصور می شد ، نباشد.

معمول ترین درخواست مبتلایان به این اختلال قطع پای چپ از بالای زانو است

البته ممکن است دست ها را هم در بر گیرد

یا خود را به صورت میل به فلج شدن نشان دهد

و یا حتی حس هایی مانند بینایی یا شنوایی را شامل شود.

اختلال هویت تمامیت
بدن بیماری است که فرد
مبتلا تمایل دارد عضو
سالم بدن خود را از بین
ببرد و مبتلایان به آن
احساس می‌کنند که یک
یا چند عضو سالم
بدنشان در واقع متعلق
به بدن آنها نیست و اگر
آن عضو یا اعضاء را
جدا کنند، زندگی
راحت‌تری خواهند داشت

در برخی موارد نادر
فرد به دنبال آن است که
بینایی‌اش را از دست
بدهد یا از دو پا فلج
شود. در واقع فرد مبتلا
احساس می‌کند بدنش در
شرایط فعلی کامل نیست

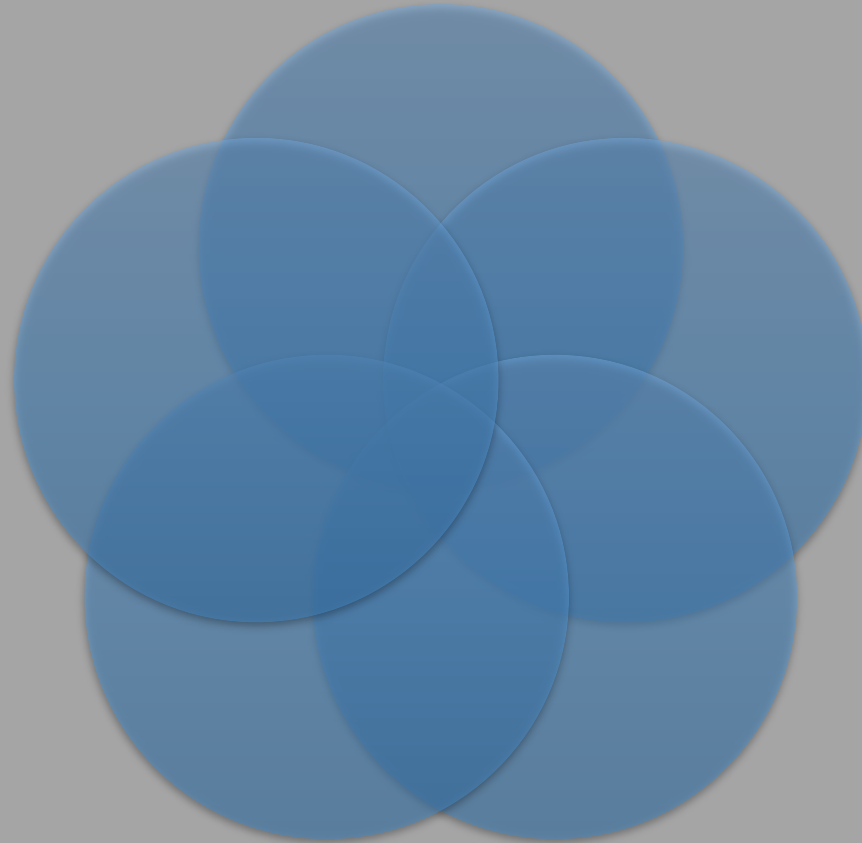
مبتلایان به این اختلال از
ترس آنکه مورد قضاوت
قرار نگیرند بیماری خود
را به صورت راز حفظ
می‌کنند که همین امر،
تشخیص را برای
متخصصان سخت‌تر
می‌سازد.

درمانی برای این
اختلال غیر از قطع عضو
وجود ندارد و مصرف
داروها و روان‌درمانی،
تمایل به قطع عضو را
در فرد از بین نمی‌برد

مبتلایان به این اختلال ممکن است نسبت به
افراد معلول شدیداً احساس حسادت کنند. آنها
ممکن است در میان جمع یا در تنهایی وانمود
کنند که معلول هستند

در برخی موارد فرد قبول می‌کند
تا با پرداخت هزینه‌ای به جراح
به طور غیرقانونی تحت عمل
قطع عضو قرار گیرد

به طور مثال مواردی
مشاهده شده که فرد مبتلا به
حدی پاهای خود را منجمد
می‌کند که هنگام مراجعه به
بیمارستان پزشک چاره‌ای
جز قطع عضو ندارد.



در برخی شرایط افراد مبتلا
به اختلال هویت تمامیت بدن
به روش‌های خشن و
خطرناکی رو می‌آورند که
چاره‌ای جز قطع عضو نیست

یک نمونه

اولین بار نبود که «بهروز» میخواست دستش را قطع کند. او قبلاً هم سعی کرده بود با جک ماشین چرخ کامیون را بالا ببرد و دستش را زیر کامیون قرار دهد اما جک کرد و دستش را بیرون از پنجره گذاشت به این امید که بر اثر تصادف از بین برود اما این اتفاق نیفتاد ولی بالاخره موفق شد

حالا بهروز میگوید: الان که دستم را قطع کردم احساس بهتری دارم زیرا این موضوع از دوران دبیرستان با من بود و من را به ستوه آورده بود! واقعیت این مانند بهروز از اختلال تمامیت هویت بدن رنج میبرند. اختلالی است که بیمارانی که در آن فرد یکی از اعضای بدنش را اضافی می‌داند و سعی می‌کند آن را قطع کند

نمونه دوم

این اولین بار نبود که دیوید سعی می‌کرد پایش را قطع کند. او وقتی تازه فارغ‌التحصیل شده بود، تلاش کرده بود با بستن شریان‌بند این کار را انجام دهد اما موفق نشد. او همیشه از تصور خلاصی از شر پایش احساس شجاعت می‌کرد حتی پایش را مقصر اصلی ازدواج نکردنش می‌دانست. حدود یک سال پیش، یک شب، زمانی که کاسه صبر دیوید لبریز شده بود به دوستش تلفن کرد و به او گفت چیزی وجود دارد که او می‌خواهد از شرش خلاص شود. دوستش با او همدردی کرد، درست چیزی که دیوید می‌خواست. او در اینترنت جستجویی کرد تا اینکه در کمال تعجب یک انجمن پیدا کرد که در آن افرادی مثل دوستش حضور داشتند، افرادی که می‌خواستند از شر قسمتی از بدن شان خلاص شوند. دیوید تازه فهمید که تنها نیست. او با انجمنی آشنا شده بود که اعضای آن مشکلاتی مانند او داشتند. این انجمن عجیب و غریب تقسیمات مختلفی داشت. زیرگروهی از این انجمن خودشان خواستار قطع عضو نبودند، بلکه افرادی را که تمایل به قطع عضویشان داشتند به جراحی در آسیا معرفی می‌کرد تا عضو سالم‌شان را قطع کند.

اختلال هویت تمامیت بدن که به عنوان
اختلال هویت قطع عضو نیز نامیده می‌شود
یک اختلال روانی است که در آن فرد احساس
می‌کند اگر عضوی از اعضای بدنش قطع
شود، زندگی شادتری خواهد داشت.

افراد مبتلا در این راه آنقدر مصمم هستند که سراغ
جراحان می‌روند تا یکی از اندام‌هایشان را قطع کنند و اگر
موفق به راضی کردن جراح نشوند، خودشان دست به کار
شده و گاهی به دلیل نداشتن تخصص کافی در این زمینه و
در نتیجه خونریزی شدید جان‌شان را از دست می‌دهند.

دلیل اصلی این اختلال مشخص نیست. اما یک فرضیه
این است که منشأ اختلال هویت تمامیت بدن بر اثر
اختلال عملکرد عصبی مغز در رابطه با کارکرد
درونی بدن (که در لوب آهیانه سمت راست مغز
قرار دارد) است.

به گزارش مدیکال دیلی،
اطلاعات دقیقی از زمان
شناسایی این بیماری وجود
ندارد اما به نظر اولین
گزارش‌ها از تشخیص این
اختلال به سال ۱۹۷۷
برمی‌گردد.

همچنین شواهد عصب شناسی
حاکی از آن است که افراد
مبتلا در نواحی از مغز که
مرتبط با بازنمایی بدن است
دچار مشکل هستند. یک
تئوری علت این اختلال را
ناتوانی عصبی مغز در ترسیم
و درک فرم کامل بدن و
گنجاندن عضو یا اعضاء
مذکور در زمره اعضاء بدن
بیان می‌کند.

ایده "معلول‌سازی کلینیکی"
مبتلایان به این اختلال شدیداً
مورد مباحثه است. عده‌ای از
ایده معلول‌سازی مبتلایانی که
با اقدامات روانپزشکی و
دارویی قابل‌معالجه نیستند،
حمایت می‌کنند و عده‌ای با
اشاره به برگشت‌ناپذیری
معلول‌سازی، روش‌های
روانپزشکی را توصیه می‌کنند